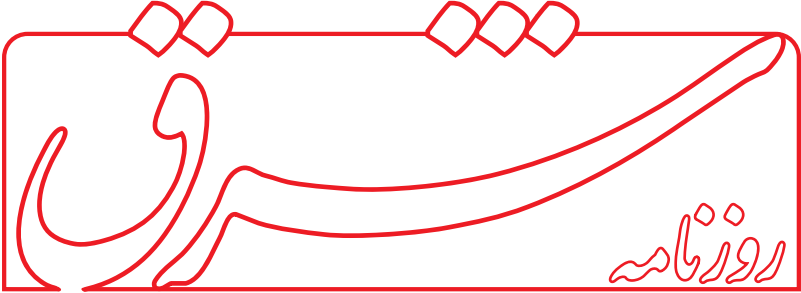




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند،کوچه آرشیا، پلاک ۶
تلفن: ۹۲-۸۸۶۵۴۳۹۰
نمابر: ۷۱۹-۸۸۸۸۰۰
تلفن آگهی‌ها: ۲۲-۸۸۹۹۸۲۰۰
امور مشترکین: ۲۳-۸۸۸۱۴۳۳۰
توزیع شرکت پیام‌سان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز
تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir

تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۵ اذان مغرب ۲۰:۲۳ اذان صبح فردا ۴:۰۱ طلوع آفتاب ۵:۴۸

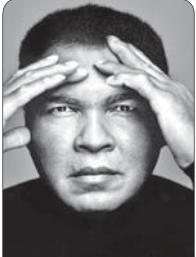
شتر



یکشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۹۲، ۷ شعبان ۱۴۳۴، ۱۶ ژوئن ۲۰۱۳، سال دهم، شماره ۱۷۵۸، ۱۶صفحه

«محمدعلی کلی» به روی پرده می‌رود

ایسنا: مستند جدیدی از زندگی «محمدعلی کلی»، بوکسور افسانه‌ای تاریخ ورزش و قهرمان جهان، اواخر سال ۲۰۱۳ نمایش داده خواهد شد. مستند «من علی هستم، به کارگردانی «کلر لولینز» که شامل مصاحبه‌ها و آرشیو صوتی از این ستاره بوکس جهان است، در حال تدوین برای نمایش در اواخر سال جاری است. این مستند درباره مکالمات تلفنی ضبط شده «محمدعلی» با خانواده‌اش در طول سال‌هاست که از دیدگاهی بسیار شخصی به زندگی محمدعلی در طول ۲۰ سال مبارزه او می‌پردازد.



از هر نظر بی‌ضرر

آن‌که رای‌ام را زد



✎ **پوریاء عالمی**

● هفتادوشش یا هشتادوهشت‌ما به بلوغ اجتماعی نرسیدیم. شبیه کودک نورسی بودیم که طره مویی را پشت لیش نگه می‌دارد تا خودش را در آینه ببیند که انگار بزرگ و بالغ شده. همین که خسته شد، طره را رها می‌کند، سبیل می‌افتد، او باز کودکی می‌شود که بوده. بلوغ با جاسازی سبیل گفّت آنی پشت لب سر نمی‌زند. بلوغ با موهای کرک اندک آغاز می‌شود، تا به لایح سبیل مورد وثوق برسد. بلوغ با حرص زدن و جوش خوردن شکل نمی‌گیرد. باید جوش‌های بلوغ را حوصله کرد، از ریخت افتاد تا به افتادگانی بعد از بلوغ رسید. از شکل افتاد که شاکله پیدا کرد. هفتادوشش یا هشتادوهشت تجربه‌های مهم اجتماعی است اما ستادورش حاصل تحقیق و تدقیق نیست، حاصل ترس و هول و ولاست. حاصل دلزده شدن از یک دوره برای ورود به دورای دیگر است که دالایی به ریخت و ماهیت آن هم نداشتیم. هفتادوشش که رای سرشاز شد معلوم نبود گفتمان آقای خاتمی چیست. قرار بود هر چه باشد جز تفکر سنتی، هر چه جز تفکر سنتی غالب بود مورد پسند بود. هشتادوهشت سرش‌رای رای در صندوق، رای به گفتمان نو نبود. رای به این بود که تفکر و تأثیر داخلی و خارجی رئیس‌جمهور وقت مقبول مردم و نظریه‌پردازان نیفتاده بود. چیزی که به قیمت چهارسال هزینه‌کردن از جیب به دست آمده بود. چیزی که از قبل عیان بود اما عرصه نظریه‌پردازان اجتماعی و سیاسی که تربیون دارند عرصه بی‌مسئولیتی است. عرصه لیدری اما با مسئولیت محدود، فعالیت سیاسی شبیه قانون جنس فروخته شده پس گرفته نمی‌شود. همه آن پیش‌بینی‌ها در هشتادوچهار که به رای ندادن ترغیب می‌کرد و تحریم یا به رای دادن به شهردار وقت تهران به امید تند کردن فضا، غلط از کار درآمده بود. تحلیل‌های شل و پیش‌بینی‌های ول که در طول چهارسال در این سرزمین، حاضر بود آزمون و خطا کند و کرد تا اقتصاد و سیاست و جامعه برسد به بزرگ‌ها هشتادوهشت. تحلیل‌های اما واگری و اگر بشود چه می‌شود مدت‌هاست آفت جامعه است. تحلیل‌های رای مردم را زدن برای رای دادن.

رای در دوره‌های پیش‌در حالت کلی ابزار اعتراض بوده است. ابزاری برای نه گفتن. انتخاب آقای خاتمی برای انتخاب‌نشدن آقای ناطق‌نود، از چیزی دیگر. انتخاب در ۸۸ بری رستن از تفکر غالب دولت وقت بود. نشانسی این گفتمان در هشتادوهشت و شک و تردید اصلاح‌طلبان برای حلقه زدن دور این رویکر، همان تکرار حس انتخاب آقای خاتمی بود در ۱۶ سال پیش. بی‌دانستگی به آنچه در چنته داشت. که چهار سال بعد از هفتادوشش و تجربه زندگی در دوران اصلاحات بی‌ثباتی برای انتخاب آقای خامنه‌ی و آنچه که پیش آمد. با در نظر گرفتن خطاهای اصلاح‌طلبان، مساله غریبی بود. چطور می‌شد کسی که همان مقصدار از آزادی و فضای مدنی را تجربه کرده به سرنوشت خود بی‌توجه باشد؟ به بلوغ رسیدن یعنی این امکان که به پیش از بلوغ برگردیم نیست. تا پیش از نودودو، رای وسیله‌ای بوده برای پس زدن یا گارد بستن مقابل تفکری دیگر. رای از ترس. هرچند ترس علامت تعقل است. اما رای این دوره «نه» به چیزی نیست. این رای «نه» به چیزی نیست، بلکه «آری» است. آری به اصلاح‌طلبی. آری به اجماع بزرگان اصلاح‌طلبان. آری به فضای نقد. به نگاه منتقد به اصلاح به ساختن. بی‌خراب کردن. به رفتار متمدنانه. به گفت‌وگو. به اینکه جواب‌های هوی نیست. است. به جواب تنه زدن، سقلمه زدن نیست. رای به اخلاقیات است. به روش درست بازی بی‌زدن زیر میز، وقتی‌داری می‌بازی. به حوصله کردن. به اندیشیدن. به صبر. به رشد. به نمو. به حرکت. به پیشروی. بی‌فشار. به بزرگی، به بزرگواری. نه تعقل. نه گفتن در کار نبود. آری گفتن بود به حرکت اصلاح‌طلبانه، حتی با نماینده‌ای که تمام و کمال تا پیش از این اصلاح‌طلب نبوده باشد. آری بود به امید. آری بود به تدبیر. رای نودودو آری گفتن بود به زندگی. به حل‌کردن معما که حل چو گشت آسان نمود. به اصلاح‌طلبی. به روحانی. به خاتمی.

رویداد

هفت ابرمرد فرهنگ در یک کتاب

● ایسنا: «عبدالرفیع حقیقت» به تاسی از «هفت شهر» عطار، کتاب «هفت شهر عشق» را منتشر کرد. این نویسنده و پژوهشگر گفت: «هفت شهر عشق» با موضوع هفت دانشمند و ابراهام فرهنگ ایرانی است که به تازگی چاپ شده و امروز و فردا از سوی انتشارات کوشش به بازار کتاب می‌آید. به گفته وی کتاب درباره هفت ابرمرد فرهنگ ایران یعنی فردوسی، خیام، نظامی، عطار، مولوی، سعدی و حافظ است که در آن به صورت مفصل به هریک از این دانشمندان فرهیخته فرهنگ ایران پرداخته‌ام. این کتاب به تاسی از گفته مولانا، نگارش یافته که گفته: «هفت شهر عشق را عطار گشت/ ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم، حقیقت همچنین از انتشار جلد چهاردهم «انگین سخن» خبر داد و درباره این کتاب نیز توضیح داد: «انگین سخن» شامل زبیرتاین آثار منظوم ادبیات فارسی از عصر رودکی تا ناصر حاضر است.

زاویه دید

برویم کمی قدم بزنیم



✎ **پوریاء سوری**

● اهمیتی ندارد یا قلبی مجاله قدم در راه نهاده باشی یا خاطری آسوده، گاهی اوقات به نظرهم فقط قدم‌زدن آغاز یک تغییر است. شاید دیده باشیدی آدم‌هایی را که تصمیم‌های بزرگشان، غم‌های بزرگشان، شادی‌های بزرگشان را هنگام قدم‌زدن رقم می‌زنند. فراموش می‌کنند، می‌یابند، دیدم‌اید این آدم‌ها را نه؟ من هم از همان دست آدم‌ها هستم و گاهی همه چیز را زمین می‌گذارم و می‌روم فقط قدم بزنم.

روزنامه‌نگارم و به «اصلاحات» معتقدم، عقیده دارم برای

ادامه حیات و تأثیرگذاری در فضای فرهنگی کشور باید روزنه‌ای وجود داشته باشد تا مسیر تغییریی شود. اهل گوشه‌گرفتن و تارک دنیا شدن و عجالتا ترک ایران و مهاجرت هم نیستیم. تمامیت ارضی ایران برایم اولین اصل است و کشورم؛ ایران را دوست دارم.

پس خوشبختانه هم‌کنون در ایران زندگی می‌کنم، به تغییر و اصلاح وضع موجود می‌اندیشم و خلاصه اینکه به همین دلایل پای صندوق رای رفتم و از آخرین روزنه‌های امید، ناامید نشدم و هی با خودم زیر لب خواندم:

به کجاها بَرَد این «امید» ما را؟

و هی زمزمه کردم «به کجاها بَرَد ما را.. به کجاها بَرَد ما را.. به کجاها بَرَد این «امید» ما را» و هر که با نگاهی عاقل اندر رفیق، شماتت کرد که «تو» چرا به بازی یا هرچه اسمش هست تن دادی، برایش شمرده‌شمرده و با حوصله توضیح دادم که اگر چه صبر و صبر جوهر زندگی ما در چهار سال گذشته بوده است اما چه کنم که:

نشد این عاشق سرگشته صبور

نشد این مرغک «پرسته» رها

و برای همین پرسته‌ها، همان خسته‌ها، همان دل به روشنائی بسته‌ها، جمعه به اصلاحات رای دادم و شبی را تاصبح همراه رفیقانم؛ روزنامه‌نگارانی امیدوار و نگران، پلک برهم نهدام و امروز که روز دیگری است و سرآغاز تغییر، از اینکه بر تردید غلبه کردم و از تلاّوی همین خورشید ۲۵ خرداد که اتفاق رنگ آشنایی هم دارد، بخ یا‌هایم کمی آب شد و کمر راست کردم و بعد از چند سال وقتی در خیابان قدم زدم احساس مال اینجا بودن و سر به سقف ساییدن داشتم، خوشحالم.

امروز قدم زدن در خیابان‌ها رنگی دیگر دارد، حتی

گرمای هوا خوشایند است، حتی همین حال ساده‌ای که

ما داریم، همین اندک‌ک؛ این شادمانی بی‌سبب، بی‌خیال

خواندن این وجیزه‌ها، حالمان که خوش است خدا را شکر،

برویم کمی قدم بزنیم. قدم زدن خیلی مهم است.

مخبرالدوله

کتاب تازه «بنفشه حجازی» درباره زنان

● ایسنا: بنفشه حجازی تاریخ شعر و ادب زنان ایران را در کتابی با عنوان «زنان مودب ایران» نوشت. این شاعر و نویسنده گفت: «زنان مودب ایران»، تاریخ شعر و ادب زنان ایران را از آغاز تا سال ۱۳۲۰ روایت می‌کند. منظور از آغاز نیز دوران ادبیات شفاهی و لایایی، مویه‌ها و قصه‌گویی‌هاست. او افزود: این کتاب حاصل ۳۰ سال فعالیت است. چون به شعر و ادبیات زنان علاقه داشتم، در کنار کارهای دیگر به تالیف این کتاب هم پرداختم و آن را طی ۳۰ سال آماده کردم. حجازی سپس عنوان کرد: «زنان مودب ایران» در ۹ بخش نوشته شده است که عبارتند از: «ادبیات شفاهی و «زنان» بعد از اسلام تا حمله مغول (قرن اول تا قرن هفتم هجری قمری)»، «از حمله مغول تاصفویه (قرن هفتم تاقرن دهم هجری قمری)»، «عصر صفویه (قرن دهم تا میانه قرن دوازدهم)»، «دوره افشاریه و زندیه (از میانه قرن دوازدهم تا اول قرن سیزدهم هجری قمری)»، «عصر قاجار تا مشروطه (از قرن سیزدهم تا ربع اول قرن چهاردهم)»، «از مشروطه تا پهلوی دوم (یعنی تا سال ۱۳۲۰)»، «زنان شه‌ره به شاعری» و «زنان پارسی‌گوی ایران‌زمین».

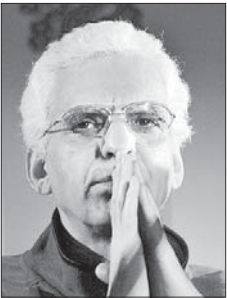
دکلمه کزازی از «آرش کمانگیر»

● ایسنا: آلبوم موسیقی «آرش کمانگیر» با دکلمه میرجلال‌الدین کزازی و آهنگسازی حسین نیستان به‌زودی منتشر خواهد شد. آهنگساز این اثر توضیح داد: «آرش کمانگیر» اثری است، شامل کلام و موسیقی که نویسنده آن میرجلال‌الدین کزازی است و متن کار توسط ایشان نوشته شده است. این آهنگساز درباره ویژگی‌های کلامی «آرش کمانگیر» گفت: میرجلال‌الدین کزازی در آثارش شیوه فردوسی را پیش گرفته و موسیقی این کار نیز موسیقی اصیل ایرانی است و در قسمت‌هایی با بخش آوازی که توسط بنده اجرا شده همراه می‌شود. او در توضیح کلام کار نیز بیان کرد: داستان آرش کمانگیر از کتاب «در آستان جان» میرجلال‌الدین کزازی انتخاب شده که پیش از این منتشر شده است. در روایت کزازی آرش کمانگیر یک ویژگی دارد که داستان دستخوش تغییر نشده است و با همان آرش کمانگیر اسطوره‌ای پیوند دارد.

صندوق

«کیومرث پوراحمد» از روزهای بعد از انتخابات می‌گوید

امیدی که واهی نیست



روز جمعه شاهد بودم که بخش

قابل‌توجهی از مردم و رای‌دهندگان

که تا ساعاتی قبل از انتخابات شک

داشتند و نمی‌دانستند که رای خواهند

داد یا نه، تحت‌تأثیر افرادی قرار گرفتند

که معقول فکر می‌کردند و شرکت در

انتخابات را تنها راه برون‌رفت از شرایط

فعلی می‌دانستند. جوانان در این بین

نقش بسیار پرنرنگی ایفا کردند. خیلی

از پدر و مادرهایی که به پای صندوق

آمدند، به‌واسطه فرزندان جوانشان مجاب شدند که نباید

خودشان را حذف کنند و باید رای بدهند. چراکه جوان‌ها

روشن‌بین هستند و از ویرانی‌گریزانند و همین‌طور خواهان

اعتدالند. خیلی از این جوان‌ها توانستند دیگران را مجاب

کنند که یکبار دیگر با امید تغییر، شانس خودشان را

امتحان کنند و فرصت انتخاب را از خودشان سلب نکنند.

ناگفته‌نماند که بی‌شک دکتر روحانی در پی حمایت آقایان

خاتمی و هاشمی با چنین اقبالی مواجه شد. چراکه مردم

ما در دوران اصلاحات و سازندگی در مقایسه با هشت‌سال

اخیر، به‌مراتب راضی‌تر و آسوده‌تر بودند و خیالشان راحت

بود از اینکه اگر از کاندیدای مورد حمایت روسای‌جمهور

این دو دوره حمایت کنند، تجربه سخت هشت سال

گذشته امتداد نخواهد یافت.

امیدوارم این شور ایجادشده در هموطنانم، نوبدیخش

روزهای روشنی در حیطه هنر ایران باشد. در عین حال

با اینکه «هنر» و «سینما» برای ما شغل و عشق و زندگی

و نان شب و جنون و همه‌چیز است اما من شخصا بیش

از آنکه به آینده فضای هنری فکر کنم، خوشحالم که با

یادداشت «منیژه حکمت» در روز پیروزی

شادباش به ایرانیان



شادباش به ایرانم، بی‌شک شرایط

وخیم اقتصادی در وهله اول و تغییر

شرایط موجود، امید مردم برای رای دادن

بود و رای‌دادنشان بیعتی دوباره با تفکر

اصلاح‌طلبی بود. تبریک می‌گویم به

ملت ایران به‌خاطر هوشمندی‌اش و

درک درستی که از موقعیت تاریخی و

اجتماعی‌اش دارد. تبریک می‌گویم به

آقایان خاتمی و هاشمی و روحانی. تبریک می‌گویم

به همه کسانی که با حمایت علنی از کاندیدای

اصلاح‌طلبان مردم را با خودشان همراه کردند تا این

اتفاق تاریخی رقم بخورد. تمام‌بد به احترام مردم ایران

می‌ایستم و سر تعظیم فرومی‌آورم و دست‌میزباز

می‌گویم به ملتی که همیشه در برهه‌های حساس

هوشمندانه عمل می‌کند. امیدوارم با زخم‌هایی که

ایین ملت در دل دارد، قدر حرکت هوشمندانه‌اش

دانسته شود و رئیس‌جمهور آینده در جهت مطالبات

واقعی مردم گام بردارد. امیدوارم تمامی دوستانی که برای رقم‌خوردن این اتفاق بزرگ کمک کردند، سهم‌خواهی نداشته باشند و همه با هم کمک کنیم تا از این بحران عبور کنیم. نشاطی که من امروز در میان مردم می‌بینم و تبریکی که مردم به هم می‌گویند اتفاقاتی است که پس از سال‌ها دوباره تکرار شده و باید

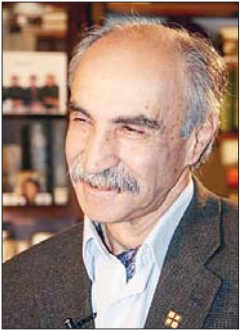
این فرصت را مغتنم شمرد. به‌عنوان یک سینماگر مطالباتی در زمینه سینما ندارم و مطالبه اصلی من مثل سایر هموطنانم، سامان‌یابی اوضاع اقتصادی و اجتماعی است که امیدواریم با درایت جناب آقای دکتر روحانی و راهبردهای اصلاح‌طلبان و دانایی و درایتی که در این مجموعه مدیریتی سراغ داریم، هر چه زودتر رقم بخورد، چراکه مردم پای رای‌هایشان ایستاده‌اند و رئیس‌جمهور منتخشان را برای برون‌رفت از این بحران، لحظه‌ای تنها نخواهند گذاشت.

نگاه سبز

اسماعیل کهرم:

انتخاب روحانی، انتخابی محیط‌زیستی بود

سعید برآبادی



می‌داد که شخصا ریاست این شورا

را به عهده گرفته. اما این خیال

عمر کوتاهی داشت و خیلی زود

احمدی‌نژاد فرمان انحلال آن را

صادر و به‌جای آن کمیسیون امور

زیربنایی را راه انداخت.

۴ این اقدام مگر چقدر

می‌توانست در وضع محیط‌زیست

کشور تأثیر گذار باشد؟

انحلال این شورا را باید درست

مثل انحلال سازمان مدیریت

برنامه و بودجه‌ارزیابی کنید یعنی دقیقاً همین ضربه

را زد، چراکه کمیسیونی که به جای آن تشکیل شد،

عملاً به سازمان محیط‌زیست تنها یک حق رای در

برابر وزارتخانه‌هایی چون راه، صنایع و کشاورزی

داده بود و حس تمامیت‌خواهی آن وزارت‌خانه‌ها دمار

از روزگار محیط‌زیست کشور درآورد.

۴ این اتفاق چطور رقم خورد؟

در نهایت ضربه اصلی را خود رئیس‌جمهور به

محیط‌زیست ایران زد، حتی در خراسان این جمله

را به زبان آورد که محیط‌زیست مانع توسعه است!ا

یگذریم از اینکه در چهارسال اول، انتخاب‌خانم واعظ

جوادی و در چهارسال دوم انتخاب محمدی‌زاده

بدترین انتخاب‌ها برای گزینه ریاست سازمان

نگاه

یادداشت «بهزاد فراهانی» درباره پیروزی اصلاح‌طلبان

هنرمندان فراموش نشوند



امیدواریم «حسن روحانی» به آنچه در

مصاحبه‌هایش گفته وفادار بماند. شخصا

مصاحبه‌های انتخاباتی او را در رقم‌خوردن این

نتیجه بسیار تأثیر گذار می‌دانم و البته حمایت

اصلاحات نیز موثرترین مولفه در ایجاد وحدت

بین مردم بود. امیدوارم در این بین آقای

روحانی طبق آنچه که پیش از انتخابات وعده

داده بود، هنرمندان را فراموش نکند. مطالبات من به‌عنوان

عضوی از خانواده هنر ایران، اولاً استقلال گروه‌های هنری با

بودجه‌های خاص است و سپس برون‌رفت دولت از پروسه

تولید هنر. حذف میزبی خواسته دیگر من و سایر هنرمندان از دولت یازدهم است. درنظر گرفتن مستمری ماهانه برای هنرمندان بالای ۶۰ سال و پرداخت حقوق بیکاری برای هنرمندان حرفه‌ای، حق تشکیل سندیکا و اهمیت ویژه به هنر نیز از جمله توقعات هنرمندان از دولت جدید است. امید مردم ما را به این مرحله رسانده و از این به بعد نیز امید است که ما را پیش می‌برد. پس امید داریم و امیدوار می‌مانیم که وطنمان روزبه‌روز قله‌های تازه فرهنگی را درنوردد.

به عقیده من آنهایی که به آقای روحانی رای داده‌اند معتقدند که چون آقای خاتمی و جریان اصلاحات از ایشان حمایت کرده، مشی رئیس‌جمهور جدید در حوزه محیط‌زیست، به مشی اصلاح‌طلبان نزدیک است.

۴ اما می‌زان مشارکت بالای مردم نشان از یک شوق پنهان هم دارد که مخصوص به اصلاح‌طلبان نیست.

دقیقاً واقعیت این است که تحصیل کرده‌های مدیریت محیط‌زیست انجامید و روی کار آمدن دومی، انجام طرح‌های عوام‌فریب در حوزه محیط‌زیست را رقم زد مثل آوردن شیر ایرانی از هند، یا آوردن ببر مازندران از سبیری که همگی طرح‌های شکست‌خورده‌ای بودند. ۴ این اتفاقات در مقایسه با وضعیت محیط‌زیست در دوره

اصلاحات چطور ارزیابی می‌شود؟ ما خاطرات خوشی از اصلاحات و دولت آقای خاتمی در زمینه محیط‌زیست داریم. ۱۰ درصد جنگل‌های کشور را سازمان محیط‌زیست در همین دوره و به ابتکار خانم ابتکار به حوزه سازمان ملحق کرد که نتیجه احیای شعار «حفاظت، حفاظت و حفاظت» بود. تعامل با صداسیمما برای فرهنگ‌سازی، آموزش ارزش محیط‌زیست به قضات محترم و... اینها تنها بخشی از آن خاطره‌های خوب بود که با روی کار آمدن آقای احمدی‌نژاد از خاطر خیلی‌ها رفت.

۴ آیا این انگیزه‌ها باعث حمایت مردم از یک کاندیدای اصلاح‌طلب بود؟